

## مبارزان شعاری و فلسفی / شهرپور ۱۳۸۲

نان به نرخ روز می خورد. او سالها رنج و ستم فرمانروایان و ستمگران قاجار و پهلوی را به جان خریده، به زندان رفته، شلاق خورده و فقر و نیستی را با پوست و گوشت خود لمس کرده است و سرانجام چون درمانده از همه جاها و همه راهها شده، گردنکشان را به پروردگار یکتا حواله داده که تنها اوست که می تواند از بیدادگران، داد بستاند.

به داد من نرسد ای خدا، اگر چه کسی

خوشم که چون تو خداوند دادرس دارم

(دیوان: ۱۹۴)

سخنوری با این ویژگیها را می توان در میان تمامی شاعران گیتی جست، که شاعران درد مشترک و زبان مشترک دارند: پل الوار (فرانسه) شاندرو پتوفی (مجارستان) رابیند رانات تاگور (هند) گارسیا لورکا (اسپانیا) ولادیمیر پوشکین (روسیه) ناظم حکمت (ترکیه) لنگستون هیوز (آمریکا) اقبال لاهوری (پاکستان) اله خاندرو گازه لا (السالوادور) جبران خلیل جبران (لبنان) انیس الزمان (سنگلادش) خلیل الله خلیلی (افغانستان) والت ویتمن (آمریکا) تی. اس. ایوت (انگلیس) محمود درویش

اخیراً و همزمان دو کتاب درباره فرخی یزدی سخنور آزاده و پاکباز در دسترس دوستداران ادب معاصر قرار گرفته که به شناخت و بررسی آن پرداخته می شود.

### ۱- ترجمه دیوان فرخی یزدی\*

فرخی یزدی نه تنها شاعر ملی ایرانیان است، بل سخنوری است نام آشنا برای کلیه آزادیخواهان و میهن دوستان جهان، شاعری که همصدا با دیگر مردم زیر ستم، زور، زر و تزویر را به دادگاه جامعه می کشاند. بر ستمکاران و سرمایه داران (اغنیاء) می تازد و دست در دست مردم پابرهنه و رنجبران و کارگران علیه بی عدالتیها می جنگد:

انتقام کارگر ای کاش آتش برفروزد

تا بسوزد سر به سر این توده تن پروران را

غار غارتگران گردید بیت المال ملت

باید از غیرت به غارت داد این غارتگران را

(دیوان: ۷۰)

فرخی سخنوری ستم سوز است، نه چونان برخی از مبارزان شعارهای سیاسی می دهد و نه چونان فریب خوردگان



## حسین نسر

سترگی دست زده است. بی اغراق وقتی اهل فن به متن و مضمون ترجمه شده انگلیسی اشعار فرخی می نگرند، در دل به مترجم آفرین و دست میرزاد می گویند که راهی به نهانخانه دل فرخی یافته و روحیات و نظریات و اندیشه وی را بازتابانده است.

کتاب چنانکه برمی آید و متأسفانه در هیچ جای کتاب بدان اشاره نشده است، طرح جلد، دیباچه<sup>۱</sup> و متن آن برگرفته از دیوان فرخی یزدی به کوشش نگارنده بوده که در سال ۱۳۸۰ به وسیله نشر قطره چاپ شده است. نگارنده در دیباچه دیوان فرخی توضیح داده است که کتاب حاصل تلاشهای بیست ساله نگارنده در کندوکاو پیرامون اشعار چاپ شده و نشده فرخی از خلال آثار وی و کتابهای تاریخی، سرگذشت نامه و خاطرات با مقابله و دقت فراوان است و همین که استاد بازارگادی از میان چاپهای گوناگون و بعضاً تجاری دیوان فرخی، مبادرت به اساس قراردادن چنین پژوهش و ویرایشی برای ترجمه کرده اند، خود دلیلی است گویا و بس روشن بر استحکام و درستی کار که از این بابت نگارنده بسیار خرسند است. چه

(فلسطین) پابلو نرودا (شیلی) عبدالوهاب البیاتی (عراق) و.... از این رو مناسبت داشت تا سروده های این سخنور مردمی و آزادیخواه به زبانی غیر از زبان فارسی برگردانده شود تا مردم جهان آگه از همزبان و همصدایی دیگر شوند و این مهم به همت دکتر بازارگادی میسر شده است. لازم به توضیح است پیش از این فقط چند شعر از فرخی به زبانهای دیگر ترجمه شده بود که بی گمان و به هیچ وجه حق مطلب را درباره فرخی ادا نمی کرد. باید بازارگادی را سپاسگزار بود که به چنین کار

I would sit at a corner of a tavern for forty days,  
and would abstain from everything but wine.

۲۸۶

از روزازل، عاشقی آموخت دلم  
وز عشقِ چو شمع، شعله افروخت دلم  
تا خاک مرادهد به باذ آتش عشق  
از دیده نریخت آب، تا سوخت دلم  
طوفان، س ۶، ش ۴۵ (۱۳۰۵/۸/۳۰)  
طوفان هفتگی، س ۱، ش ۲ (۱۳۰۶/۱۲/۱): ۵۱  
۲۸۸

گر طالع خفته راسخرخیز کنم  
از آب رزان آتش دل، تیز کنم  
یک چله نشسته گوشه میکده‌ای  
وز هر چه به غیر باده، پرهیز کنم  
طوفان، س ۷، ش ۱۴۱ (۱۳۰۶/۱۲/۸)

## ۲- فرخی یزدی سرانجام یک رویای سیاسی\*\*

فرخی یزدی یکی از رازآمیزترین و حادثه‌سازترین  
چهره‌های سیاسی و ادبی معاصر است. فردی که از هیچ به  
همه چیز رسید، از پادویی دکان نانویی تا نمایندگی مجلس  
شورای ملی. اوج و فرودی که در زندگی او رخ داد، شاید در  
زندگی کمتر رجل سیاسی چند دهه گذشته روی داده باشد. او  
شاعری بی باک، جسور و آزاده بود که همواره به ستم پیشگان  
سیاست باز «نه» گفت. گویا از آغاز در سرشت او تخم  
جنگاوری ریخته بودند. او با همه کژیها و ناراستیها سر  
ناسازگاری داشت و همیشه بر خلاف جریانات روزمره گام  
می نهاد.

نوجوانی بیش نبود که با سرودن چکامه‌ای تند از مدرسه به  
بیرون رانده شد و به کارگری پرداخت. آنجانی آرام ننشست، در  
آغاز جوانی راهی زندان قجری والی یزد شد و این شهرت فرد  
برای او ماند که نخستین و آخرین بشری در تاریخ باشد که دهان  
حق گویش را دوخته‌اند. بارها به بند و زنجیر کشیده شد. از این  
دیوار به آن دیوار، از این زندان به آن زندان و از این سلول به آن  
سلول. تا مگر از آرمان و اعتقاداتش دست بردارد. ولی او  
سرسخت‌تر از اینها بود که تن به درپوزگی دهد و برای دونان  
منت دونان را بکشد.

فرخی یزدی چنین انسان آزاده‌ای بود، سرفراز و استوار  
چون کوه، با غرور و بشکوه، توفنده و جنگنده، خستگی ناپذیر و  
رام نشدنی.

سالها باید به درازا بکشد تا بتوان از طریق اسناد و خاطرات،  
چهره غبار گرفته او را سترد. این مهم اکنون و تا اندازه‌ای به  
همت پژوهشگر کوشا آقای آذری شهرضایی فراهم گشته است.  
بی‌گمان یکی از دشوارترین مراحل کار برای پژوهشگران  
تاریخ و سیاست ایران، دستیابی به اسناد تاریخی است. چه بسیار  
اسناد تاریخی که در بایگانیها خاک می‌خورند و بنا به دلایل  
نابسنده‌ای در دسترس پژوهشگران قرار نمی‌گیرند. چه بسیار  
اسناد که بنا به تصمیمات شتابزده و ناآگاهانه می‌سوزند و  
می‌پوسند و راهی زیاله دان تاریخ می‌شوند.

خوب خواهد بود که در چاپهای بعدی، در دیباچه، شناسنامه و  
صفحه عنوان، بدین مطلب اشاره شود تا حق همگان در  
کوچک‌ترین کارها محفوظ بماند و گرنه سنت ناپسندیده  
استفاده از زحمات دیگران بدون ذکر نام آنها در این کتاب  
تکرار خواهد شد و در آینده نه چندان دور خواهیم دید که  
ترجمه حاضر به نام مترجم دیگری روانه بازار بی‌در و پیکر  
کناسازیهای رایج خواهد شد. ترجمه مقابله‌ای انگلیسی متن  
حاضر برگرفته از بخش غزلیات و رباعیات دیوان فرخی دقیقاً  
براساس همان تعدادی است که در دیوان چاپ قطره آمده  
است. (۲۴۲ غزل و ۳۸۴ رباعی)

مترجم به روش مقابله‌ای، متن فارسی و انگلیسی را برای  
فهم بهتر رویه روی هم قرار داده است.  
پازارگادی در این مورد با شناخت و دقت خود در حقیقت  
به گزینش درستی دست زده است، زیرا اوج شهرت، هنر و  
آفرینش فرخی در عرصه شعر فارسی در غزلها و رباعیهای  
اوست. دکتر شفیعی کدکنی در مقاله خود آورده‌اند: «او  
بزرگ‌ترین غزلسرای عصر خود بود، غزلیات سیاسی وی در  
ادبیات فارسی بی‌نظیر است»<sup>۲</sup> و به راستی به وسیله او بود که  
غزل از چارچوب مضامین عاشقانه و غنایی به حوزه زندگی،  
اجتماع و سیاست وارد شد و باز به همت او قالب رباعی نیز  
رنگ سیاسی گرفت. رباعیاتی که گاه در چند لحظه و در  
آخرین ثانیه‌هایی که روزنامه طوفان به زیر چاپ می‌رفت،  
سروده می‌شد و تقریباً تمامی آنها برگرفته از اوضاع جاری و  
خفقان‌انگیز و آزادی‌کش زمانه فرخی بود. این رباعیات  
سرخ‌گونه چون بر پیشانی طوفان نقش می‌یست، بسان آبی  
بود که در خوابگاه مورچگان ریخته می‌شد.

طوفان که ز توقیف برون می‌آید

جان در تن ارباب جنون می‌آید

زین سرخ کلیشه کن حذرای خائن

اینجاست که فاش بوی خون می‌آید

(دیوان: ۳۶۵)

رباعیات فرخی پیوندی ناگسستنی با سرمقالات تند،  
آتشین و زهرآگین او در روزنامه طوفان داشت و سرانجام  
همین زبان سرخ (رباعی) سرسبز سراینده‌اش را به باد نیستی  
داد.

کار نیک دیگر مترجم، توضیح برخی اعلام ناآشنای  
تاریخی، جغرافیایی، ادبی و زبان شناسی برای خوانندگان  
انگلیسی زبان است.

286

From the very beginning my heart learnt love,  
and such a love burnt me like a candle's flame.  
But until my earth could be carried away by the wind  
at the fire of love, the eyes poured so much water to bury  
the heart.

288

If I could make the dormant fate an early - riser,  
I would sharpen the heart's fire with the water of  
vines.

خوشبختانه آقای آذری توانسته با همت بلند خود به نهانخانه برخی از مراکز اسناد دست یابد و چهره واقعی این شخصیت تاریخی را روشن نماید. هنوز، هم ایشان و هم خوانندگان می دانند که اگر روزی بایگانی اسناد ایران و اسناد جمهوریهای آسیای میانه و روسیه و آلمان و ترکیه و عراق و دیگر کشورهایی که بر سر راه فرخی در سفر طولانی خود به اروپا و برگشت به ایران بوده است، گشوده شود، پرده های دیگری از زندگی این شاعر رزمنده رخ خواهد نمود.

آنچه از محتوای اسناد درج شده در این کتاب روشن می شود، دستیابی دقیق به سالشمار تاریخی زندگی پرفراز و نشیب فرخی و اصلاح بسیاری از تاریخهای نادرست در شرح حالهای اوست. نگارنده به هنگام تدوین سالشمار تاریخی زندگی فرخی مندرج در آغاز دیوان فرخی یزدی<sup>۳</sup>، بسیار از تحریر اول و دوم بخش

در فصل دوم سفرنامه فرخی (سفرنامه از تهران تا مسکو) به نقل از روزنامه طوفان آمده است. این سفر که حاصل گشت و گذار ده روزه فرخی در اتحاد جماهیر شوروی به مناسبت دهمین سالگرد انقلاب اکتبر در سال ۱۳۰۶ ش. است، بنابر اسناد موجود فرخی به اجبار از ادامه چاپ آن باز ماند. شاید روزی متن کامل این سفرنامه در گنجینه اسناد یکی از رجال تاریخی سر برآورد. در فصل سوم که بی گمان حاصل تلاشها و پیگیریهای چندین ساله گردآورنده است، ۱۶ سند تاریخی و ارزشمند برای نخستین بار درج شده است.

نگارنده امیدوار است حال که آقای آذری شهرضایی کمر همت درباره تدوین اسناد سیاسی فرخی بر بسته است بتواند با بررسی و کاوش دقیق تر در کلیه کتب تاریخی و نیز بهره وری از اسناد سازمان اسناد ملی ایران<sup>۵</sup>، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و دیگر سازمانهای همسان فرهنگی، پژوهشی و نیز بایگانی زندان قصر، شهربانی و بهداری شهربانی سابق و نیز سفارتخانه های ایران در شهرهای عشق آباد، تاشکند، مسکو، برلین، دانمارک، ترکیه، خانقین و بغداد، چهره ای روشن تر از فرخی یزدی برای دوستان تاریخ و ادب پارسی ترسیم کند. در پایان چند پیشنهاد برای تدوین مناسب تر کتاب مزبور عرضه می شود:

- ۱- جدا کردن بخش اسناد از سفرنامه، چون به غیر از سند شماره ۵، بقیه اسناد ربطی به سفرنامه تهران تا مسکو ندارند.
- ۲- متن سند ۱۲ که سند مهمی است به صورت چاپی هم درج شود. فرخی در این سند ادعا نموده است که ارتباطی با روزنامه های پیکار و نهضت (چاپ برلین) ندارد، و این برخلاف نوشته های حسین مکی و صدر هاشمی (در تاریخ جراید و مجلات ایران) است.
- ۳- اسناد به ترتیب تاریخ درج شود.

#### پانویسها:

- \* گزیده ای از دیوان فرخی یزدی (فارسی - انگلیسی)  
ترجمه علاءالدین بازارگادی، انتشارات رهنما، چاپ اول، ۱۳۸۱  
\*\* فرخی یزدی سرانجام یک رویای سیاسی، رضا آذری  
شهرضایی، انتشارات شیرازه، چاپ اول، ۱۳۸۱

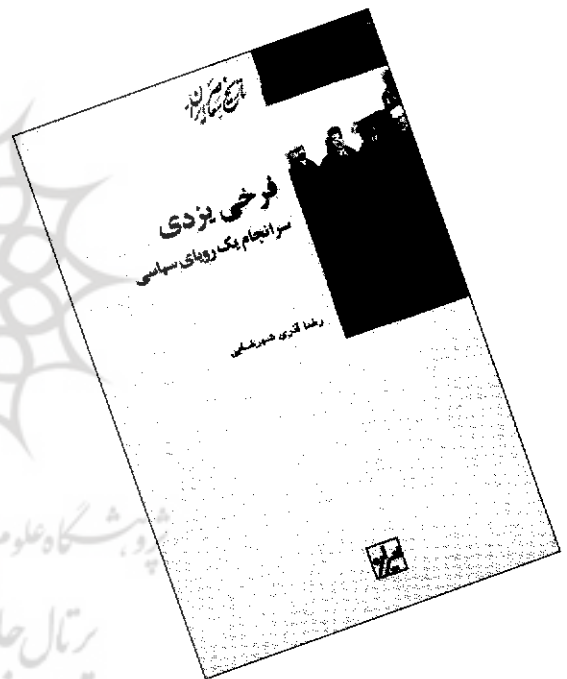
۱- مترجم در دیباچه، مثنوی فتح نامه فرخی را در ستایش سردار اسعد دانسته که نادرست بوده و در ستایش سردار جنگ است.

۲- شفیع کدکنی، محمد رضا، «از انقلاب تا انقلاب، ادبیات ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی»، ادبیات نوین ایران، یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۴۲.

۳- دیوان فرخی یزدی، به کوشش حسین مسرت، تهران: قطره، ۱۳۸۱.

۴- شاعر لب دوخته: حسین مسرت و غلامرضا محمدی، یزد: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی یزد، ۱۳۷۸.

۵- برخی از اسناد فرخی به وسیله آقای علی میرانصاری در سلسله کتابهای «اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران» در دست چاپ است.



نخست کتاب که به صورت مقاله ای جامع به کنگره فرخی یزدی (۱۳۷۸) و نیز مجله گفتگو (ش ۳۰، زمستان ۱۳۷۹) ارائه شده بود، بهره وافی برده است. در آینده نیز برای ویرایش دوم دیوان فرخی و نیز ویرایش دوم کتاب شاعر لب دوخته<sup>۴</sup> بهره ها خواهد برد.

کتاب مزبور در سه فصل گرد آمده است:

در فصل نخست، با نگاهی تحلیلی گرانه، دقیق و موجز به زندگی فرخی، شاعر آرمانگرا و غزلسرای سیاسی معاصر پرداخته شده است. این فصل به رغم موجز بودن، مستندترین شرح حال درباره فرخی است، زیرا تماماً بر اساس اسناد تاریخی استوار گشته است نه چون برخی شرح حالها که رگه هایی از حدس، گمان و افسانه در آن راه یافته است.